

پاسخ کریمانه





پاسخ کریمانه

نویسنده: محمد محمدی امین

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

ناشر: انتشارات مسجدنا

چاپ: اول، تیر ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

گروه سنی: ب و ج

قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان



پاسخ کریمانه



مدیریت پژوهش مرکز رسیدگی به امور

مساجد خراسان

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

نویسنده: محمد محمدی امین



در یکی از روزهای آفتابی مدینه، مردی در کنار خیابانِ خاکی شهر ایستاده بود. او که به دین مسیح بود، تصمیم گرفته بود امام باقر(ع) که به بزرگی و دانایی معروف بود را مسخره کند تا دیگران را بخنداند. با خودش فکر کرده بود: «حتماً اگر سخن زشتی بگویم، او عصبانی می‌شود و من به خواسته‌ام میرسم.»



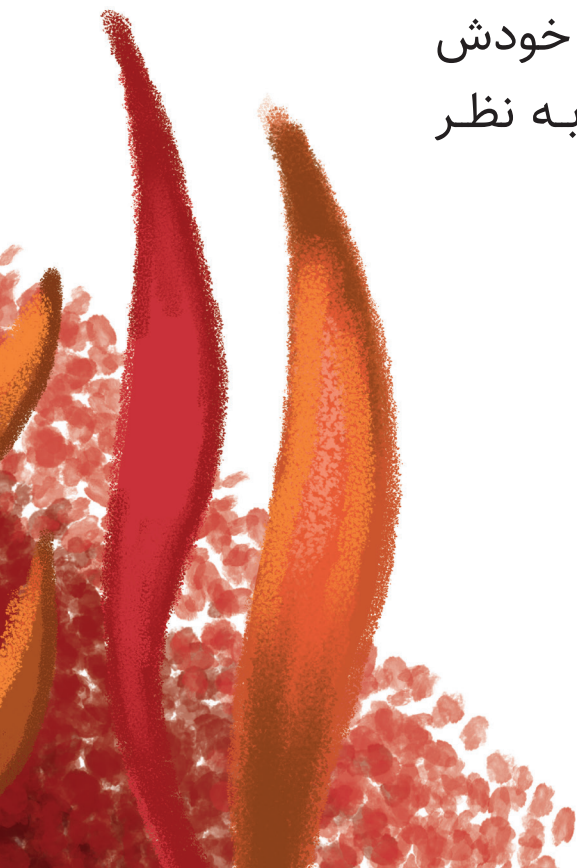
آفتاب آرام آرام بالاتر می‌آمد و سایه‌ها کوتاه می‌شد
که امام باقر(ع) از دور نمایان شدند.
امام لباسی ساده بر تن داشتند و آرام، قدم می‌زدند
و نگاه مهربانشان انگار بر دل هر که می‌افتاد،
آرامش می‌بخشید.
مرد خود را به مقابل امام رساند و با صدایی بلند
و تمسخرآمیز نام امام را تلفظ کرد.





اما امام همانطور آرام بودند و حتی یک چین بر پیشانی نیاوردند.
با همان مهربانی همیشگی فرمودند: «نه، من باقرم.»
مرد که انتظار چنین آرامشی را نداشت، کمی دست‌پاچه شد و
این بار با لحنی کنایه‌آمیز پرسید: «آیا تو فرزند آشپزی؟»
امام باقر(ع) که خوب می‌دانست چه در دل این مرد می‌گذرد،
تبسمی ملایم کردند و فرمودند: «آشپزی، هنر مادرم بود؛ و
هنر، عیب نیست.»

مرد، کاملاً نا‌امید شد! او که فکر می‌کرد با چند کلمه می‌تواند
شخصیت بزرگی مانند امام باقر(ع) را عصبانی کند، حالا خودش
در برابر اقیانوسِ آرامِ ادبِ امام، چون سنگی کوچک به نظر
می‌رسید.





نا اُمیدانه حرف زشتی درباره‌ی یکی از خویشان امام به
زبان آورد. اما امام باقر(ع) باز هم با آرامش فرمودند:
«اگر راست می‌گویی، خدا او را بیامرزد؛ و اگر دروغ
می‌گویی، خدا تو را بیامرزد.»
در آن لحظه، گویی نوری از آسمان بر دل مرد تابید.
خجالت، وجودش را فراگرفت. اشک در چشمانش
حلقه زد. با خود گفت:
«این مرد، اگر بنده برگزیده خدا نباشد، پس کیست؟
هر کس دیگری بود، با این حرف‌ها از کوره در
می‌رفت... پس حتماً دینی که چنین انسانی امام آن
است، دین حقیقی است.»



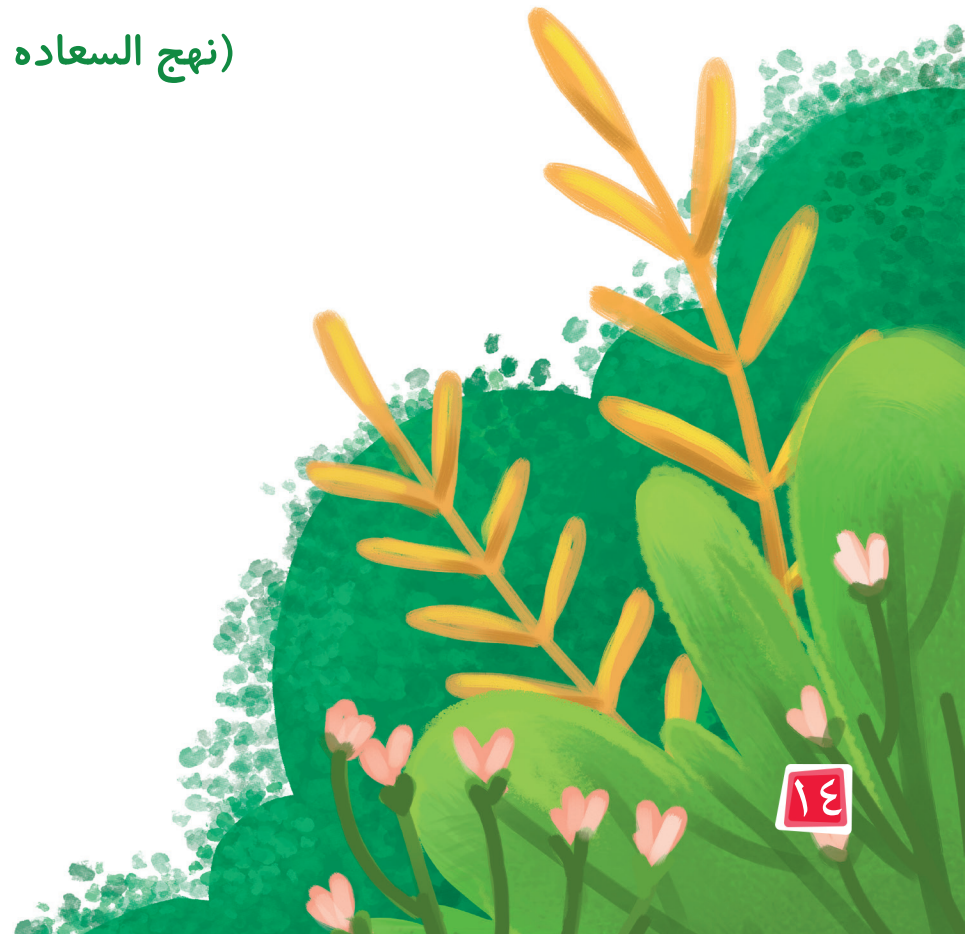




و همانجا، در کنار همان راه خاکی، زیر آفتاب پُر مهر مدینه، مرد با قلبی سبک و شادمان فریاد زد: «شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست!» و این گونه امام باقر(ع) نه تنها خشمگین نشد، بلکه با ادب و مهربانی خود دل آن مرد مسیحی را نرم کرد و او را به راه درست هدایت کرد.



امام علی (ع):
زینتکم الأدب.
زیور شما ادب است.
(نهج السعاده، ج ۲، ص ۵۰)





مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان

مرکز پخش: مشهد مقدس، خیابان دانشگاه، خیابان گلستان غربی، ساختمان

محراب. شماره تماس: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۲۶